

## دو شاعر کشمیری در دورہ شاہجہان

کشمیر بویژہ سرینگر مرکز بزرگ زبان و ادب فارسی می بوده است۔ فارسی در حقیقت ہمراہ با مسلمانان وارد این سر زمین شد۔ بلبل شاہ و شاہ ہمدان از جملہ عرفانی ہستند کہ مانمی تو انیم در تاریخ تروج زبان و ادب فارسی در کشمیر از آنہا ذکر نکنیم۔ این ہر دو عارف در قرن ہفتم میلادی وارد این منطقہ شدند۔ با ورود آنہا در کشمیر سر نوشت سیاسی، اجتماعی و ادبی کشمیر تغیر یافت۔ بتدریج اسلام و زبان و ادب فارسی رو براہ شد دوران حکومتہای پادشاہان شہمیری، چک و تیموریان زبان و ادب و فرہنگ فارسی در این سر زمین چنان جای گرفت کہ صاحبان نظر کشمیر را ایران صغیر نامیدند۔ شعر انویسندگان چیرہ دست در این دورہ تاریخ کشمیر، خدمات شاہانی ادبی و علمی را انجام دادند۔ وقتی کہ تاریخ کامل و مفصل تاریخ ادب فارسی در ہند، نوشتہ می شود از مہم کشمیر در پیشرفت زبان فارسی بہ ہیچ وجہ صرف نظر نخواہد شد۔

ترک وطن و مسافرت بہ نقاط دور دست از بدو آغاز تاریخ مسلمانان معمول می بودہ

است هزار هانفر از طبقات مختلف جامعه از یک جا به جای دیگر مهاجرت می کردند. بعضی از آنها برای جهانگردی و بعضی برای بهره برداری از منابع بهتری مسافرت و مهاجرت را اختیار می نمودند در این زمینه البیرونی و ابن بطوطه را نام برد که دوران قرون میانه از عرب و عجم به هند آمدند و خاطرات آنها تا کنون برای افهام و تفهیم هند آن دوره با اهمیت اساسی برخوردارند و هر کس که می خواهد زندگی هند اوایل قرون میانه را بررسی کند، ممکن نیست از آثار این دو جهانگرد دانشمند استفاده نکند.

کشمیری ها هم از این روایت جامعه مسلمان دنبال کردند. بعضی از آنها از کشمیر بیرون آمدند و در جاهای مختلف هند سکناات گزیدند و خدمات شایانی را در زمینه های مختلف زندگی انجام دادند.

بنده در این وقت تنها در باره دو نفر شاعر و نویسنده و اندیشمند کشمیری سخن می گویم که در دوره حکومت شاه جهان فعالیت دانشمند و نقشی در زمینه زبان و ادب فارسی را بازی کردند که ممکن نیست آنرا نادیده گرفت.

یکی از آنها ملا شیخ محمد محسن فانی کشمیری فرزند حسن بن محمد است که از خانواده عالم و شاعر و عارف معروف کشمیر ملّا یعقوب صرّنی (۱۵۵۳/۱۶۰۵) بوده و سپس غنی کشمیری و اسلم سالم کشمیری از محضر او استفاده کردند. فانی برای کسب علم از محضر استادان و عرفای دیگر هم استفاده کرد. بعد از تکمیل تحصیلات به بلخ رفت و سپس از مراجعت به هند، در سلک ملازمان داراشکوه پسر شاه جهان در آمد. فانی ارتباط خود با داراشکوه اچنین توصیف می کند که بنا بر تعلق با این شاهزاده، احتیاج به ارتباط با کسی ندارد.

فانی که سجدۀ در داراشکوه کرد دیگر سرش فرود به هر در نمی شود

فانی در مدح شاہجہاں ہم شعر سرودہ و این پادشاہ تیموری نیز بہ او توجہ خاصی داشت و وی را بہ صدارتِ صوبہ الہ آباد مامور کرد۔ دورانِ اقامتِ خود در الہ آباد، فانی بہ خدمتِ عارفِ معروف و مبلغِ زبردستِ وحدتِ الوجود شیخِ محبتِ اللہ الہ آبادی (۱۰۶۸ھ) رسید و خرقہٴ درویشی از او پوشید و از محضرش بہر یابی برد۔ چون فانی عرفانِ دوست بود، بہ مُلا شاہ نیز ارادت داشت مراد بخشِ پسر شاہجہاں بلخ را فتح کرد۔ نذر محمد خان والی بلخ گریخت و دارایی ہایش بہ دستِ شاہزادہٴ تیموری افتاد۔ در کتابخانہٴ بلخ قصایدی از فانی در مدحِ نذر محمد خان بدست آمد از آن پس وی از نظر پادشاہ افتاد۔ و از صدارتِ ہم کنار گذاشته شد۔ شاہجہاں اورا اجازہ داد بہ وطنِ خود کشمیر بر گردد و مقرری سالیانہ بگیرد۔

فانی تا آخر عمر در سری نگر بودہ و بہ درس و تدریس و تصنیف و تالیف پرداخت ولی اوجہاً با مراجعت بہ کشمیر خوشہال نبود و می خواست در شاہجہاں آباد بسر برد۔

فانی آخر منزوی در گوشہٴ کشمیر شد۔ گرچہ جای خوشتر از شاہجہاں آباد نیست فانی در سال ۱۰۸۰/۷۱-۱۶۷۰ بدرود حیات گفت و در سخن خانہٴ خود مدفون شد۔

فانی آثار زیادی را بہ جای گذاشته است کہ عبارت انداز:  
دیوانِ مشتمل بر غزلیات، رباعی، قصاید کہ گرداری لال تیکو آنرا از تہران بہ چاپ رسانندہ است۔

مصدر الآثار در پیروی از مخزن الاسرار نظامی رادر ۱۰۶۷ھ بہ نام شاہجہاں سرودہ است۔

راز و نیاز، مثنوی عشقی، مثنوی مہر و ماہ، مثنوی ہفت اختر، نجات المؤمنین بہ نثر، شرح عین العلم بہ نثر، دیباچہ بر مثنوی مُلا شاہ و میخانہ کہ ساقی نامہ است، فانی در میخانہ باغہا، دریاچہ ہا، چشمہ

ہاوجاہای دیگر دیدنی سری نگر را توصیف نموده است در باره باغ شالیما می گوید:

عروس همه باغها شاله مار

اورا گرفته است دل در کنار

فانی علاقه خاصی با مثنوی سرایی را نشان داده است - استاد دانشمند بنده جناب آقای

پروفیسر سید امیر حسن عابدی مثنویات فانی را به چاپ رسانده است -

در حالی که علی قلی والدہ داحتانی در ریاض الشعر آ می گوید کہ:

دیوانش قریب بہ پنج ہزار بیت است، اما شعر بلند بہ ندرت دارد۔ ولی صالح کنبوہ از فن

شعر فانی چنین توصیف و ستائش می کند۔

”جلوہ سنج حسن کلام است و مانند بہار در کشمیر صاحب مقام۔ شاہدان معنی را با حسن

وجود بر صفحہ بیان جلوہ میدہد و سرانگشت قلمش عقدہ از سررشتہ معنی بہ نیکوترین وصفی می کشاید۔ فکرش

آرایش دہ دیوان سخن است و کلکش چہرہ آرای بتان معنی، فیض اندوز کمالات طبعی والہی بودہ، اوج

گرای جمیع علوم است و شاعری دون مرتبہ آن والا فطرت است و سخنوری کہین پایہ آل مہیں

سردار نقطہ فکرت است، چون بعض اوقات بفکر شعری پردازد و طرہ اشعار را بہ شانہ قلم می طرازد،

لاجرم نام آن عالی مرتبت در جرگہ شاعران بقلم آورده۔“

این سہ بیت از غزلیات فانی، سبک بیان و پرواز خیال اورا نشان می دہد:

از انتہای زلف سبہ کس نشان ندارد  
نتوان شمرد بال و پر مرغ زاغ را

ز تار زلف تو تشخیص نبض خواهد کرد  
جز عمر دراز از دہد طبیب مرا

بر جبین ز بخت تیرہ می باید کشید

واجب العرضی بزلف یاری باید نوشت

غنی کشمیری شاعر دیگر معروف است که در دوره شاه جهان بسر برد. ملا محمد طاهر متخلص به  
غنی از خانواده ایست که همراه با میر سید علی همدانی از خراسان به کشمیر مهاجرت کرد. در واقعات کشمیر  
آمده است که غنی از طایفه اشائی کشمیری است که دوران حکومت سلاطین از دهکده اشارد  
در خراسان به کشمیر منتقل شده و بار دبار سلطان زین العابدین معروف به بدشاه مرتبط شد.

غنی در سری نگر در ۱۰۳۹ هجری یا ۱۶۳۰/۱۰۴۰ م متولد شد. مادر باره تاریخ وفات غنی  
اطلاع دقیق نداریم. مسلم شاگرد او که دیوانش را بعد از وفاتش گرد آورده، در این ضمن می نویسد:  
مرغ روح آن سبک سیر شاهراه معنی با طائر سخن تا آیشان ملاء اعلی شتافته و در فضای عالم ملکوت  
پرواز طائران قدس یافته. پیش از آنکه مسوده اشعارش جمعیت پذیرد و سخنان بیاضش صورت  
دیوان گیرد، رشته حیات از هم گسخت و نسخه وجودش از ترتیب اجزای عنصری افتاد.

همچنین این ابیات او حاکیست که غنی در پیری درود به حیات گفت:

موی سر کردم سفید اما خیالت در سراسر است      اخگر پنهان ته این توده خاکستر است  
ریخت دندان زدهن، رفت جوانی برباد      آه از این زاله که در مزرع لحم افتاد

تن بمردن ده غنی چون قامتت گردید خم

بهر این خاتم نگیینی نیست جز سنگ مزار

غنی از محسن فانی کشمیری که در مدرسه قطبیه درس می داد، کسب فیض کرد. در بعضی تذکره ها  
واژه های مولانا، ملا و یا شیخ به اسمش اضافه کرده اند که نشان گر مقام بعضی او در علم و ادب است.  
خود استاد او فانی کشمیر هم برای حل و فصل بعضی امور پیچیده ای به این شاگرد خود رجوع می کرد.  
در این زمینه مسلم شاگرد او در مقدمه ای به دیوان غنی می نویسد:

اگر چه آن مجمع الکملات بیشتر به شاعری شهرت یافته و شعرش در این باب نیز دستی بکار

برده اما کمالات شاعری او نمونه ایست از کمالات دیگر و سخنان نکلینش گونه ایست از جمال معنی آن  
نیکو سیر طبع بدیهه یا لبش هرگز - بلکه تمام اقلیم هند، بجز او سخنوری خوش خیال، نازک بند، معنی یاب  
برنخاسته خوشگلو نظری دهد:

صاحب سخن پرکار استاد فن جادو نگار است - چنانچه شاه جواد در ویش اکثری فرمود که  
کلامش دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است -

علی قلی والد داغستانی در ریاض الشعراء، غنی را بهترین شاعر کشمیر خواند است:  
درستی زبان و روانی الفاظ و لطافت معنی او مقبول همه بوده و لاحق از خطه کشمیر مثل او کسی برنخاسته -  
دیوانش مشتمل بر غزلیات، مثنویات مختصر را برای علاقمندان به زبان و ادبیات فارسی به  
جای گذاشته است - این دیوانش یک بار در ۱۸۲۵ و بار دیگر در مدراس چاپ شد، سپس از ایران  
و از خود کشمیر هم منتشر شده است -

غنی مانند صائب تبریزی، شاعری تمثیلی است - برای اثبات اندیشه ای که در مصرای  
اول طرح می کند، مثال در مصرع دوم می آورد تا آن را ثبوت برساند این یکی از ویژگی های سبک  
هندیست - سبک هندی در سروده های وی به کمال می رسد - آثار او را به نازک خیال و توانایی بسیار  
در بیان معنی دقیق و مضامین باریک ستوده اند -

برای ارسال المثل و یا مثال ابیات زیر غنی باید مورد توجه قرار گیرد:

بجو دوری ز هم جنسان نشاطی گریه داری  
چون می بینی جدا از یکدیگر لبهای خندان را  
نمیباشد مخالف قول و فعل داستان با هم  
که گفتار قلم باشد ز رفتار قلم پیدا

نور حسن از دیده تر دامنان پنهان بود

بی نصیب از پر تو شمع است فانوس حباب

غنی می خواست که افکار و اندیشه های نور ادر شعر آورد و معتقد به این بود که اگر شاعر  
مضمون و فکر شاعر دیگر را اخذ می کند، شعرش از نزاکت می افتد:

برنداریم ز اشعار کسی مضمون را      طبع شاعر نتواند سخن کس برداشت  
از نزاکت او فقد مضمون من      گر به مضمون کسی پہلو زند

بفکر شعر سر فرود نیاورده و تدوین دیوان را تحصیل حاصل شمرده علم رانقاب عرفان ساخته  
بود شعرش پرده داری هر دو مینمود - معارف حقیقی را در لباس علوم رسمی روپش می ساخت و از سخنان  
گوناگون بر قه ای دوخته بر بالای هر دو می انداخت - چنانچه خود می فرماید:

افتاده ام از درس ز درد اعضا      کوشا گردی که بمالد اعضای مرا  
بسر بردم غنی هر چند عمر خود بمکتب ها      نیاوردم ز خط سر نوشت خویش سر بیرون

جویند دوا ی درد از من دگران

لیکن الم من نپذیرد امان

غنی بیشتر در انزو از زندگی می کرد و بنا بر این:

در ترک و تجرید چنان می کوشید که از پیکر هیولایش پوستی و استخوانی مانده بود - محمد زمان  
بایق، مسلم، و ملک شهاب از جمله شاگردان وی هستند - مسلم، چنانکه اشاره به آن شد، دیوان استاد  
خود را جمع آوری نمود و مقدمه ای مفید هم بر او نوشت - غنی در سال ۱۰۷۷ یا ۱۰۷۹ یا ۱۰۷۶ یا ۱۰۷۸  
فوت کرد - مسلم در قطعه زیر سال وفات استاد خود را نظم کرده است:

از فوت غنی گشته که و مه غمگین      هر کس شده در ماتم او خانه نشین  
تاریخ و فاتش ار پهر سند بگو      'پنهان شده گنج هنری زیر زمین'

۱۰۷۹ هـ

غنی بادر باری علاقه نداشت وصله ای برای شعر خود هم از کسی نگرفت - غنی در شعر مقامی  
بس والا دارد - شعرای معاصر و بعدی از سبک او تقلید کرده اند - منتقدین ادب، تاثیر غنی را در شعر  
عالم و دهلوی و علامه اقبال نشان داده اند - حتی بعضی شعرای اردو زبان هم نتوانستند خود را از نفوذ  
شعر غنی بدور نگهدارند - همچنین همه تذکره نگاران از فن شعر غنی توصیف و تقدیر نموده اند -  
نصر آبادی در این ضمن می نویسد :

حقا که درست سلیقه و غریب خیال بود  
اشعارش همگی لطیف است

سرخوش می گوید:

صاحب طبع عالی بوده پایه سخنوری را بدرجه کمال رسانده از خطه کشمیر - مزیت دیگر شعر  
غنی کشمیری استفاده از صنعت ایهام است - خوشگودر این ضمن نظر داده است که:  
طرزش به صنعت ایهام بسیار مایل است چنانچه در جواب هر بیت استاد غنی که سرخیل  
ایهام بنده است در این ایام ده هزار بیت .....

غنی اساساً شاعر غزل سر است - بعضی ابیاتش تمایل او به عرفان را نشان می دهد - برای  
فکر نو و اندیشه دیگر باید به این دو شعر توجه کرد:

غنی تا چند پرسی دستگاه اهل دنیا را که باشد وسعت آن از حصار جام جم پیدا  
خوشا عهدی که مردم آدم بی سایه را دیدند غریب است این زمان گرسایه آدم شود پیدا  
در هجوم و شتایه دو مثنوی غنی است - در یکی از قطعات خود، غنی سال وفات ابوطالب  
کلیم را به نظم کشیده است -

مرا بر تن زبانی گشت هر مو شوم در وصف حجامی سخن گو



علاوه بر این غنی قطعات تاریخ وفات میر الهی و امیر الامرا سلام خان را هم سروده

است -

خلاصه این که دو شاعر نامبرده دوره شاه جهان از کشمیر در حقیقت از جمله شعرای فارسی گوی  
بهند که شعرای بعدی راحت تاثیر قرار دادند و می توان گفت که از لحاظ هنر شعر، غنی بزرگترین  
شاعری است که از کشمیر برخاسته - توجه شعرای فارسی را در سراسر هند به خود جلب کرده است -